



عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی ■ Nimi. Ahmadi

خصوصی‌سازی سرخابی‌ها از وعده تا واقعیت

وزارت ورزش و شخص سلطانی‌فر بجد به دنبال خصوصی‌سازی سرخابی‌ها هستند اما حسن زمانی نماینده سابق مجلس که روزگاری عضو هیأت‌مدیره استقلال بوده درباره خصوصی‌سازی سرخابی‌ها به نکته گزنده‌ای اشاره کرده و می‌گوید: «من در یک برهه مسئولیت مستقیم در واگذاری‌ها را به عهده داشتم و مطمئن هستم این اتفاق به هیچ عنوان نخواهد افتاد. هر وقت دولت از این دوباشگاه دل بکند، خصوصی‌سازی انجام می‌شود.» آیا این وعده به سرانجام خواهد رسید و دوباشگاه سرانجام خصوصی می‌شوند یا آنچه زمانی گفته، حقیقت دارد و این وعده محقق نخواهد شد؟ آیا طبق وعده وزیر در شهریور شاهد عرضه سهام این دوباشگاه در فرابورس خواهیم بود یا صحبت‌های زمانی سبزی‌شود؟ پرونده امروز این ماجرا را واکاوی می‌کند.

برند، سرمایه بر باد رفته استقلال و پرسپولیس

واگذاری دو نام و بدهی‌های انباشته

فرشاد کاس نژاد ■ @Farshadcasnejad



۱ واگذاری استقلال و پرسپولیس، خصوصی‌سازی، ورود به بورس و موضوعاتی شبیه این هیچ کدام تازگی ندارند. بارها و بارها چنین موضوعاتی مورد بحث قرار گرفته‌اند، ماه‌ها در رسانه‌ها تیتیر یک بوده‌اند و وعده‌های بزرگ درباره‌شان مطرح شده اما سرانجام همه چیز فراموش شده است. این بار اما اصرار دارند که واگذاری استقلال و پرسپولیس را باور کنیم، اگر چه این بار به این دلیل که منظور از واگذاری، فقط واگذاری بخش کوچکی از سهام است، شاید باور کردن به نظر برسد، اگر چه همچنان باورش آسان نیست. استقلال و پرسپولیس در سال‌های اخیر و حتی در همین فصل اخیر مسیری را طی نکرده‌اند که برای واگذاری آماده باشند، هنوز روال و منش مدیریت آنها همان است که همیشه بود و همچنان مشغول‌اند به انباشتن بدهی‌های بزرگتر. نکته عجیب این اصرار به روش‌های پیشین مدیریت این دوباشگاه است و فراهم نشدن مقدمات برای خصوصی‌سازی. فقط شعارها هستند که با صدای بلندتری درباره خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس شنیده می‌شوند. قرارداد‌های استقلال و پرسپولیس با کارگزاران واگذاری برند این باشگاه‌ها نشان می‌دهد که استقلال و پرسپولیس هنگام واگذاری به بخش خصوصی - مطابق وعده‌های رایج - در موقعیتی پیچیده قرار گرفته‌اند. خریداران احتمالی سهام این دوباشگاه، مالک چیزی می‌شوند که برندش پیش‌تر واگذار شده است و در اختیار سهامداران نیست. استقلال و پرسپولیس جز همین برند چه دارند که

بدون برند برای خریدار سهام جذاب باشند؟ سازمان خصوصی‌سازی در این باره توضیح نمی‌دهد که باشگاه‌ها را بدون برند چگونه می‌خواهد به بورس ببرد؟ آنچه می‌تواند نگرانی‌های بزرگتری را برای آینده بسازد، همین نکات است و شاید در جریان واگذاری این دوباشگاه با بحران‌های بزرگتری مواجه شویم. استقلال و پرسپولیس بدهی‌های انباشته دارند که رقم مجموعش حدود ۸۰۰ میلیارد تومان است، رقمی غیرقابل پرداخت برای این دوباشگاه. واگذاری دو ورزشگاه به استقلال و پرسپولیس جبران‌کننده این بدهی‌های انباشته و زیان‌های آینده نخواهد بود و این ورزشگاه‌ها در آمدی برای استقلال و پرسپولیس خلق نمی‌کنند و فقط اموالی هستند که در ظاهر استقلال و پرسپولیس را متمول جلوه می‌دهند اما واقعیت این است که این دوباشگاه همچنان مجبور به اجاره زمین تمرین می‌شوند و حتی ابزار تمرین را اجاره می‌کنند. خصوصی‌سازی با این وعده‌ها ممکن نیست، باید مقدماتش را فراهم کرد، باید پیش از هر چیز روش‌ها را تغییر داد. اما بدون این مقدمات و به فرض شروع پروژه واگذاری استقلال و پرسپولیس با مسیری تازه و پرسنگلاخ مواجه خواهیم بود، مسیری که می‌تواند کج راه‌های خودش را داشته باشد. شاید این بار اصرار‌ها به ورود استقلال و پرسپولیس به پروژه واگذاری منجر شود اما خصوصی‌سازی دو نام بدون برند و با انبوهی از بدهی و بخشش دو ورزشگاه برای جبران ظاهری بدهی‌ها، نمی‌تواند چندان ماجرای خوشایندی در فوتبال ایران باشد و شاید تجربه‌ای سخت و خطرناک در انتظار فوتبال ایران است.

طرح نیمه کاره به سرانجام می‌رسد

برند یا بدهی؟ کدامیک واگذار می‌شود؟

سام ستارزاده



۲ پس از پنج سال، دوباره صحبت از طراحی سناریویی برای آبی‌ها و قرمزها به میان آورده شده که کمتر کسی به اجرایی شدن آن امید دارد. کلیدواژه «خصوصی‌سازی»، بار دیگر با افتخار وارد زبان متولی دوباشگاه پرتعداد کشور شده است. در طی این سال‌ها، سخن‌های درست یا نادرست از تبعیض، بی‌توجهی به زیان‌دهی مالی، انتخاب بدون ضابطه مدیران، استفاده ابزاری از شهرت باشگاه و موارد دیگری از این دست به گوش می‌رسیدند. اما آنچه اکنون مهم است، چشم‌انداز پیش روی استقلال و پرسپولیس است. به بیانی دقیق‌تر، واکاوی اینکه چرا دولت شیوه کنونی را برای خصوصی‌سازی سرخابی‌ها به کار گرفته است و اینکه چرا نمی‌خواهد به‌طور کامل از دو فرزند خوانده خود دست بکشد. نقشه‌ای که وزارت ورزش برای پرسپولیس و استقلال کشیده، واگذاری در فرابورس است. در ابتدا، قرار است ۱۰ درصد از سهام دو باشگاه با هدف «تعیین قیمت» به فروش برسد تا در مراحل بعدی، دو شرکت سهامی عام بیش از نیمی از سهام این دورا از طریق همین ساز و کار در اختیار بگیرند و مابقی سهم‌های سرخابی نیز به تعاونی‌های سهامی و یا شاید خریداران خرد برسد. به تعبیری دیگر، قدمی که قرار است برداشته شود، واگذاری اقلیتی از مالکیت سرخ‌ها و آبی‌ها به بخش غیردولتی است؛ قدمی که تردیدها و شبهه‌ها هم از آن نشأت می‌گیرند. در حالی که حق اسپانسرینگ استقلال و پرسپولیس در همین اواخر طی قرارداد‌های

نسبتاً بلندمدتی به کارگزاران فروخته شده، مالکین خرد به سختی می‌توانند دلیلی بیابند تا در دو باشگاه با حداکثر بدهی مالیاتی و غیرمالیاتی و حداقل دارایی سهمی شوند و از سهم‌هایشان برای سوددهی استفاده کنند. نگرانی بزرگتر اما این است که سناریوی طراحی شده نیمه‌کاره بماند. ما سال ۹۴ را به یاد داریم که پس از یک سال کش و قوس، سه دوره مزایده سرخابی‌ها با «رد صلاحیت تمام شرکت‌کنندگان» بی‌سرانجام به پایان رسید تا با طرح این ادعا که «استقلال و پرسپولیس وقف فرهنگی هستند»، این دوباشگاه پس از یک فصل سردرگمی و آشفتگی، به آغوش گرم دولت برگردند.

حسن زمانی، عضو سابق هیأت‌مدیره استقلال، اخیراً گفته: «هر وقت دولت از این دو باشگاه دل بکند، خصوصی‌سازی انجام می‌شود.» این عقیده که غول‌های پایتخت لقمه‌ای نیستند که دولت بخواهد آن را به دیگری بدهد، تنها توسط تجربه سال ۹۴ قابل باور نیست. استقلال و پرسپولیس، دوباشگاه مردمی بزرگ هستند که صندلی‌های مدیریتش سال‌هاست بین غیرفوتبالی‌هایی که سودای سیاست را در سر دارند، دست به‌دست می‌شود؛ بلکه آنان بتوانند از این دوباشگاه جرعه‌ای محبوبیت برای خود ذخیره کنند. اینکه هنوز سودهای معنوی این دو پایگاه به زیان‌های مالی هنگفتش می‌چربد یا خیر را به زودی خواهیم فهمید؛ با مشاهده اینکه این مرتبه حرف و عمل مدعیان خصوصی‌سازی تا چه میزان یکی می‌شود.